

Evaluating The Causal Model of Parenting Methods and Callous–unemotional Traits in Adolescents With Conduct Disorder: The Mediating Role of Executive Functions

Fatemeh Kargar 

Ph.D Student, Psychology and Education of Children with Special Needs, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Amir Ghamarani 

Assistant Professor, Department of Psychology and Education of People with Special Needs, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Ghasem Norouzi 

Assistant Professor, Department of Psychology and Education of People with Special Needs, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Accepted: 27/02/2023

Received: 02/11/2022

eISSN: 2252-0031

ISSN: 2476/647X

Abstract

The purpose of this research was to investigate the antecedents and consequences of executive functions in adolescents with conduct Disorder in the form of a causal model. The research method was descriptive research and correlation design. The statistical population of the research included first secondary school boys studying in Qom city in 2021. From this community, 451 people who were diagnosed with conduct disorder using the Children Symptom inventory (SCI-4) and were willing to cooperate were selected using Convenience Sampling. To collect data, the questionnaire of parenting style, executive functions and Callous–unemotional traits was used. Pearson's correlation coefficient and path analysis tests were used to analyze the data. The results of the correlation matrix showed that there was a significant correlation between the research variables at the level of $P > 0.01$ and $P > 0.05$.

* Corresponding Author: Yousefshahi

How to Cite: Kargar, F., Ghamarani, A., Norouzi, Gh. (2023). Evaluating The Causal Model of Parenting Methods and Callous–unemotional Traits in Adolescents With Conduct Disorder: The Mediating Role of Executive Functions, *Journal of Psychology of Exceptional Individuals*, 12(48), 27-59.


Further, the results of the path analysis indicated the significance of the mediating role of executive functions in the relationship between parenting methods and Callous–unemotional traits. In general, the executive functions and parenting methods are two of the main factors for investigating Callous–unemotional traits.

Keywords: Parenting, Executive Functions, Callous–Unemotional Traits.




ارزیابی مدل علی شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی - بی‌رحمی در نوجوانان با اختلال سلوک: نقش میانجیگری کارکردهای اجرایی


دانشجوی دکتری رشته روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

فاطمه کارگر 

استادیار گروه روان‌شناسی و آموزش افراد با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

امیر قمرانی  *

استادیار گروه روان‌شناسی و آموزش افراد با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

قاسم نوروزی 

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی پیشایندها و پیامدهای کارکردهای اجرایی در نوجوانان با اختلال سلوک، در قالب یک مدل علی بود. روش پژوهش، از نوع توصیفی و طرح همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش-آموزان پسر متوسطه اول مشغول به تحصیل استان قم در سال ۱۴۰۰ بودند. از این جامعه، ۴۵۱ نفر که با استفاده از پرسشنامه علائم مرضی (SCI-۴) کودکان با اختلال سلوک تشخیص داده شده و حاضر به همکاری بودند با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه شیوه فرزندپروری، کارکردهای اجرایی و صفات سنگدلی-بی‌رحمی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین متغیرهای پژوهش همبستگی معناداری در سطح $p > 0/05$ و $p > 0/01$ وجود داشت. در ادامه، نتایج تحلیل مسیر حاکی از معناداری نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی-بی‌رحمی بود. به‌طور کلی، کارکردهای اجرایی و شیوه‌های فرزندپروری دو مورد از عوامل اصلی برای بررسی صفات سنگدلی-بی‌رحمی هستند.

۳۰ | روان‌شناسی افراد استثنایی | سال دوازدهم | شماره ۴۸ | زمستان ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری، کارکردهای اجرایی، صفات سنگدلی-بی‌رحمی.

مقدمه

نوجوانی معمولاً به‌عنوان دوره پیچیده‌ای از رشد تعریف می‌شود که مربوط به بازه بین ۱۰ تا ۱۹ سالگی است (کیوک^۱، ۲۰۲۲). در این دوره نوجوانان تغییرات رشد جسمی و هیجانی سریع و قابل توجهی را تجربه می‌کنند (لوین^۲، ۲۰۲۲). به‌علاوه دوره نوجوانی به دلیل قرار گرفتن در معرض رویدادهای استرس‌زای زندگی و تأثیراتی که بر سلامت روان دارد یک مرحله رشد‌شکننده در نظر گرفته می‌شود (نگوین^۳، ۲۰۲۱). بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که بین ۱۳ تا ۲۰ درصد از افراد در ایالات متحده هر ساله یک اختلال روانی، هیجانی یا رفتاری را تجربه می‌کنند (چندور و همکاران^۴، ۲۰۱۹). بیماری‌های روانی اگر درمان نشوند، می‌توانند به مشکلات سلامت جسمانی و روانی طولانی مدت (مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری^۵، ۲۰۲۱) منجر گردند. یکی از اختلالاتی که تأثیر عمده‌ای بر سلامت روان دارد اختلال سلوک است. اختلال سلوک^۶ شایع‌ترین اختلال سلامت روان است (باگلیویو و همکاران^۷، ۲۰۱۷) و از شایع‌ترین علل مراجعه نوجوانان و جوانان به کلینیک‌های سلامت روانی به شمار می‌رود (بانسل، گوه، لی و مارتل^۸، ۲۰۲۰).

علائم این اختلال به چهار دسته مختلف؛ تجاوز به افراد و حیوانات، تخریب اموال، فریبکاری و سرقت، و نقض جدی قوانین طبقه‌بندی می‌شوند. در جدیدترین نسخه راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۹ عواطف اجتماعی محدود به گروه تشخیص اختلال سلوک اضافه شده است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). مشخص‌کننده عواطف اجتماعی محدود را می‌توان در چهار حوزه مختلف طبقه‌بندی کرد، عدم پشیمانی یا احساس

-
1. Keough
 2. Levine
 3. Nguyen
 4. Ghandour et al
 5. Centers for Disease Control and Prevention
 6. conduct disorder
 7. Baglivio et al
 8. Bansal, Goh, Lee & Martel
 9. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders

گناه، سنگدلی و فقدان همدلی، بی‌توجهی به عملکرد و عاطفه کم‌عمق یا ناقص (ساکای و همکاران^۱، ۲۰۱۶). این مشخصه مبتنی بر تحقیقات رفتاری (فریک، ری، تورنتون و کان^۲، ۲۰۱۴) و عصب‌شناختی قابل‌توجهی است (بلر^۳، ۲۰۱۶) که در مورد صفات سنگدلی-بی‌رحمی^۴ انجام شده است. این صفات به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اختلال سلوک در نسخه پنجم ویرایش کتابچه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی و ویرایش یازدهم طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها^۵ گنجانده شده است (اوادا، الیز، شلبی و اراکات^۶، ۲۰۲۲). صفات سنگدلی-بی‌رحمی به «یک سبک خاص عواطف درونی (فقدان گناه، نمایش محدود احساسات) و عواطف بین‌فردی (عدم نشان دادن همدلی، استفاده بی‌رحمانه از دیگران برای دستیابی به نفع شخصی خود)» اشاره می‌کند (ویرال^۷، ۲۰۲۰؛ بلر، ۲۰۲۰).

پیش‌آگهی این صفات نامطلوب بوده و بررسی‌ها حاکی از آن است که افزایش صفات سنگدلی-بی‌رحمی سطح بالای جامعه‌ستیزی و بزهکاری را در نوجوانی (کوهلهوف و همکاران^۸، ۲۰۲۰)، تعداد بیشتر بازداشت‌ها و اتهامات کیفری را در دوران بزرگ‌سالی پیش-بینی می‌کند (کاهن و همکاران^۹، ۲۰۱۳) و یک عامل خطر برای مشکلات رفتاری شدید است (بارونسلی و سیوسی^{۱۰}، ۲۰۲۰).

فراتر از بررسی رفتارهای سنگدلی-بی‌رحمی به‌تنهایی، ما همچنین باید نقش سایر عوامل برجسته در دوران نوجوانی را در نظر بگیریم که با صفات سنگدلی-بی‌رحمی مرتبط است. بسیاری از افراد دارای صفات سنگدلی-بی‌رحمی در حیطه خاصی از مهارت‌های عصب‌شناختی نقص دارند که کارکردهای اجرایی^{۱۱} نامیده می‌شود، همچنین پژوهش‌ها نیز

-
1. Sakai et al
 2. Frick, Ray, Thornton, & Kahn
 3. Blair
 4. callous and unemotional
 5. International Classification of Diseases-11
 6. Awada, Ellis, Shelleby, & Orcutt
 7. Verrall
 8. Kohlhoff et al
 9. Kahn et al
 10. Baroncelli & Ciucci
 11. Executive Function

نشان داده‌اند اثرات صفات سنگدلی-بی‌رحمی بر شایستگی اجتماعی تا حدی توسط کارکردهای اجرایی تعیین می‌شود (والر، هاید، باسکین-سامرز و اولسون^۱، ۲۰۱۷) چراکه نقص در توانایی‌های مربوط به کارکردهای اجرایی بر نحوه واکنش و تعامل فرد با جهان تأثیر می‌گذارد (کارول^۲، ۲۰۲۲). سنگدلی-بی‌رحمی در افرادی که کارکردهای اجرایی پایینی دارند، منجر به کاهش صلاحیت اجتماعی می‌شود (کیم و چانگ^۳، ۲۰۱۹). در واقع مؤلفه مهمی که می‌تواند زمینه بروز خشونت، پرخاشگری و رفتارهای خطرناک را فراهم کرده و خطر بروز این رفتارها را افزایش دهد، آسیب در کارکردهای اجرایی است زیرا باعث کاهش تنظیم شناختی و رفتاری می‌شود (گیانکولا^۴، ۲۰۰۷).

بالا رفتن سطح صفات سنگدلی-بی‌رحمی و نقص کارکردهای اجرایی بر عملکرد اجتماعی و رفتاری کودکان و همچنین پاسخ آن‌ها به مجازات و توانایی یادگیری از بازخورد های اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد. ناهمگونی در رفتار نوجوانان با صفات سنگدلی-بی‌رحمی تا حدی با تفاوت در کارکردهای اجرایی توضیح داده می‌شود. در مطالعه هادجیچارالامبوس و فانتی^۵ (۲۰۱۸)، نوجوانان با صفات سنگدلی-بی‌رحمی همراه با مشکلات رفتاری در مقایسه با نوجوانان با صفات سنگدلی-بی‌رحمی بدون مشکلات رفتاری نقص بیشتری در کارکردهای اجرایی نشان دادند.

اسکولاسی و بینوتی^۶ (۲۰۲۱) در طی مرور نظامند به بررسی نقشی که صفات سنگدلی-بی‌رحمی در رشد اختلالات رفتاری در جوانان دارد پرداختند. یافته‌های آن‌ها با پژوهش‌های قبلی که نقص‌های قابل توجهی را در عملکرد اجرایی در میان جوانان با ویژگی‌های سنگدلی-بی‌رحمی و اختلال سلوک ثبت کرده بودند، مطابقت داشت (بدفورد و همکاران^۷، ۲۰۱۹؛ والر و همکاران، ۲۰۱۷). این نقایص به‌طور قابل توجهی بر بازشناسی هیجانی، تنظیم

-
1. Waller, Hyde, Baskin-Sommers & Olson
 2. Carroll
 3. Kim & Chang
 4. Giancola
 5. Hadjicharalambous & Fanti
 6. Squillaci & Benoit
 7. Bedford

عاطفی و خودتنظیمی آن‌ها در مقایسه با گروه‌های بدون صفات سنگدلی-بی‌رحمی تأثیر می‌گذارد (گرازیانو، لندیز، ماهاراج، روزدیمارایز، هارت و گارسیا، ۲۰۲۲؛ وینستلی، وب و کنتی‌رامسدن، ۲۰۲۱). ترکیبی از صفات سنگدلی-بی‌رحمی و کارکردهای اجرایی سطح پایین مشکلات رفتاری از نوع بیرونی را پیش‌بینی می‌کند (ما، ایکینگ و زانگ، ۲۰۲۲). برعکس وال، فریک، فانتی، کیمونیس و لردوس^۴ (۲۰۱۶) در نمونه‌ای از کودکان دبستانی دریافتند که رفتارهای سنگدلی-بی‌رحمی بالاتر در غیاب سطوح بالای مشکلات سلوک با کارکردهای اجرایی بهتر مرتبط است. در برخی پژوهش‌ها، کودکان و نوجوانان با سطوح بالاتر خصوصیات سنگدلی-بی‌رحمی و مشکلات سلوک، پرخاشگری کنشی و واکنشی (تامسون و کینتيفانتی، ۲۰۱۸)^۵ و استفاده بیشتر از مواد را در صورت داشتن سطوح بالاتر عملکرد اجرایی نشان داده‌اند (باسکین‌سامرز، وار، فیش و هایدی، ۲۰۱۵)^۶.

از سوی دیگر، در کنار مطالعه پیامدهای کارکردهای اجرایی، بررسی پیشایندها و عوامل شکل‌گیری کارکردهای اجرایی نیز نیازمند بررسی است. مطالعات صورت گرفته در حوزه شناخت و ویژگی‌های شناختی، حاکی از آن است که کارکردهای اجرایی افراد و روابط میان‌فردی آن‌ها با یکدیگر ارتباط دارند. بر اساس نظریه بوم‌شناختی، فرآیندهای نزدیک به فرد، از جمله تعامل با مراقبین، برای رشد اهمیت حیاتی دارد (برونفنبرنر، ۱۹۸۶)^۷. پژوهش‌ها بر روی عوامل زمینه‌ای، سه جنبه از محیط خانواده را شناسایی کرده است که کارکردهای اجرایی را در کودکان پیش‌دبستانی ارتقاء می‌دهد: (۱) کیفیت فرزندپروری؛ (۲) شیوه‌های فرزندپروری، از جمله داشتن برنامه‌های منظم در خانه و (۳) اعتقادات والدین.

-
1. Graziano, Landis, Maharaj, Ros-Demarize, Hart & Garcia
 2. Winstanley, Webb & Conti-Ramsden
 3. Ma, Xing & Zhang
 4. Wall, Frick, Fanti, Kimonis & Lordos
 5. Thomson & Centifanti
 6. Baskin-Sommers, Waller, Fish, & Hyde
 7. Bronfenbrenner

شیوه‌های فرزندپروری تأثیر عمده‌ای بر گستره زندگی فرد دارد، زیرا به‌طور بالقوه می‌تواند عملکرد کلی سازگاری افراد را تسهیل کرده یا مانع آن شود (اسکینر، زیمرجیمبک، ۲۰۱۶). به‌عنوان مثال، شیوه فرزندپروری مثبت اغلب یکپارچگی اجتماعی و امنیت عاطفی را برای فرد فراهم می‌کند، برعکس، افرادی که تحت تربیت منفی قرار دارند، در برابر اختلالات عاطفی و پریشانی روانی، و همچنین رفتارهای پرخطر سلامتی؛ آسیب‌پذیرترند (دینگ و هی^۲، ۲۰۲۲). شیوه‌های فرزندپروری در واقع، نگرش‌های قابل‌درک والدین نسبت به فرزندان است. بامریند^۳ سه شیوه فرزندپروری را عنوان کرد که والدین بر اساس آن‌ها به تربیت فرزندان خویش همت می‌گمارند که عبارت‌اند از: سهل‌انگارانه، قدرت‌طلب یا مستبدانه و مقتدرانه. کودکانی که توسط والدین سهل‌گیر بزرگ می‌شوند، پرخاشگر، سرکش، بی‌هدف و تکانشی هستند و از نظر سطح موفقیت، خودکنترلی و اعتمادبه‌نفس پایین هستند. کودکان والدین سهل‌گیر، معمولاً ناامن هستند، اعتمادبه‌نفس پایینی دارند، مشکلات رفتاری بیشتری از خود نشان می‌دهند، مهارت‌های اجتماعی ضعیف‌تر و عملکرد تحصیلی بدتری دارند (فرزندپروری برای مغز، ۲۰۱۲) و در نهایت کودکانی که توسط والدین مقتدر یا دموکراتیک پرورش می‌یابند، معمولاً شاد، کنجکاو، دوستانه، خودکنترل، متکی‌به‌خود و موفقیت‌گرا هستند (کوپنز و کولمنز^۴، ۲۰۱۹).

پژوهش‌های که به بررسی ارتباط کارکردهای اجرایی و فرزندپروری پرداخته‌اند نشان داده‌اند که نحوه تعامل والدین و تربیت فرزندانشان بر عملکرد اجرایی کودک تأثیر می‌گذارد (راک^۵، ۲۰۲۱). فرزندپروری تغییر در عملکرد اجرایی را پیش‌بینی می‌کند، عملکرد اجرایی نیز به‌صورت دوسویه تغییر در کیفیت فرزندپروری را پیش‌بینی می‌کند (بلر، راوی و بری^۶، ۲۰۱۴). فرزندپروری نقشی محوری در توسعه عملکرد اجرایی دارد اکثر پژوهش‌های

1. Skinner & Zimmer-Gembeck
2. Ding, R., & He
3. Baumrind
4. Kuppens & Ceulemans
5. Rak, C
6. Blair, Raver, Berry

که به بررسی ارتباط بین تعاملات والد- فرزند و کارکردهای اجرایی کودکان پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که تکیه‌گاه‌سازی والدین (به‌عنوان مثال، تشویق کودک در تعقیب کار) به‌عنوان یکی از روش‌های فرزندپروری مثبت، یک پیش‌بینی کننده مهم کارکردهای اجرایی در کودکان است (هاموند و همکاران^۱، ۲۰۱۲) که باعث بهبود عملکرد فرد در کارکردهای اجرایی می‌شود. به‌علاوه یک مطالعه طولی بر روی ۴۲۱ خانواده (۳۴۸ زوج مادر و کودک و ۳۴۲ زوج پدر و فرزند) در بلژیک نشان داد که هم مادر و هم پدر از طریق رفتارهای مثبت فرزندپروری در افزایش مهارت کنترل بازداری (از زیرمجموعه‌های کارکردهای اجرایی) فرزندانشان سهم بودند (روسکمن و همکاران^۲، ۲۰۱۴). نیومن^۳ (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان داد که فرزندپروری مقتدرانه همبستگی مثبتی با افزایش خودتنظیمی داشته و فرزندپروری سهل‌گیر و مستبدانه با کاهش خودتنظیمی همراه بوده است.

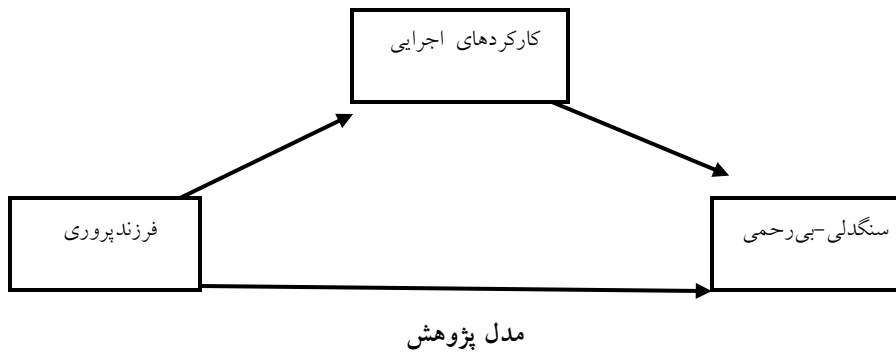
به‌علاوه اجماع فزاینده‌ای وجود دارد که فرزندپروری در رشد صفات سنگدلی-بی-رحمی در افراد با اختلال سلوک نیز نقش دارد (فلوم، وایت، گانیبان و سائودینو^۴، ۲۰۲۰؛ پیسانو و همکاران^۵، ۲۰۱۷). پژوهش‌های اولیه نشان داده‌اند که فرزندپروری ناکارآمد با مشکلات سلوک در جوانان با صفات سنگدلی-بی-رحمی مرتبط است (پائولی و همکاران^۶، ۲۰۲۱).

جوانان با اختلال سلوک و سنگدلی-بی-رحمی نسبت به جوانان بهنجار فرزندپروری منفی‌تری را تجربه می‌کنند (پائولی و همکاران، ۲۰۲۱). رفتارهای منفی والدین (مانند عدم پاسخگویی مادر، نظم‌ناسازگار، سخت‌گیری) با سطوح بالاتری از ویژگی‌های سنگدلی-بی-رحمی مرتبط است (تیرینتاکاستا و همکاران^۷، ۲۰۱۹؛ دارگیس و لی^۸، ۲۰۲۰). سبک

-
1. Hammond
 2. Roskam
 3. Newman, M.
 4. Flom, White, Ganiban & Saudino
 5. Pisano et al
 6. Pauli et al
 7. Trentacosta et al
 8. Dargis & Li

فرزندپروری مستبدانه نسبت به فرزندپروری مقتدرانه تأثیر بیشتری بر ویژگی‌های سنگدلی - بی‌رحمی کودک دارد (زانگ، وانگ، شویو، زانگ و دینگ، ۲۰۲۰).

بنابراین، طبق پژوهش‌های صورت گرفته، شیوه فرزندپروری نقش پیش‌بین در کارکردهای اجرایی دارد. از این رو می‌توان این‌گونه فرض کرد که شیوه فرزندپروری مقدم بر کارکردهای اجرایی است و در قالب مسیرهای علی، باید در طول آن قرار گیرد. از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد با اختلال سلوک و صفات سنگدلی - بی‌رحمی در کارکردهای اجرایی نقص دارند و بین شیوه فرزندپروری و کارکردهای اجرایی نیز رابطه وجود دارد. از این رو، با توجه به پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته، کارکردهای اجرایی می‌تواند به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی - بی - رحمی قرار گیرد. همچنین، این پژوهش درصدد است با بهره‌گیری از مدل مفهومی ذیل، این سؤال اساسی را که آیا کارکردهای اجرایی نقش واسطه‌ای در ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی - بی‌رحمی دارد؟ را مورد واکاوی قرار دهد.



روش

این پژوهش از نوع همبستگی است که در آن با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری روابط بین متغیرهای مدل پیشنهادی بررسی شد.

جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان پسر مدارس متوسطه نظری (دوره اول) شهر قم تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، در مدارس متوسطه این شهر

مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول بر اساس پرسشنامه علائم مرضی کودکان ویرایش چهارم^۱ دانش‌آموزان اختلال سلوک شناسایی شدند و در مرحله دوم با توجه به این که بر اساس نظریه کلاین (۲۰۱۶) حجم نمونه‌ی پذیرفتنی برای انجام معادلات ساختاری ۲/۵ تا ۵ برابر تعداد گویه‌ها است؛ بنابراین با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۵۱ دانش‌آموز پسر در دوره اول متوسطه که حاضر به همکاری بودند؛ انتخاب شدند و در مرحله بعد پرسشنامه‌های مربوط به پژوهش در اختیار نوجوانان و والدین قرار داده شد.

ملاک‌های ورود عبارت‌اند از دانش‌آموز پسر، تحصیل در دوره اول متوسطه همراه با اختلال سلوک، عدم تک والدی بودن یا طلاق والدین، فقدان اختلالات همبود، عدم مصرف دارو و خدمات درمانی برای اختلال سلوک. ملاک‌های خروج از پژوهش، مخدوش بودن پرسشنامه‌ها و تحقق نیافتن هر کدام از معیارهای ورود بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش از جمله توضیحات کامل درباره اهداف و روش کار، محترم شمردن حقوق شرکت‌کنندگان در رابطه با قطع یا عدم همکاری، عدم ذکر نام آن‌ها در فرم‌های اطلاعاتی به جهت محرمانه بودن اطلاعات انجام شد.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات از این ابزارها استفاده شد:

پرسشنامه علائم مرضی کودکان: این پرسشنامه برای غربالگری است و مقیاسی برای درجه‌بندی رفتار که اولین بار توسط گادو و اسپرافکین^۲ (۲۰۰۷) برای غربال اختلال رفتاری و هیجانی کودکان ۵ تا ۱۴ ساله طراحی شد و شامل دو نسخه معلم و والد و ۹ گروه عمده از اختلال‌های رفتاری است. یکی از این گروه‌ها، اختلال سلوک است که با سؤال‌های ۴۱-۲۷ سنجیده می‌شود. پاسخ‌های ارائه‌شده به هریک از مواد آزمون در مقیاسی ۴ درجه‌ای هرگز = ۰، گاهی = ۱، اغلب = ۲ و بیشتر وقت‌ها = ۳ نمره‌گذاری و نمره برش آن ۵ در نظر

1. children symptom inventory-4
2. Gadow & Sprafkin

ارزیابی مدل علی شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی...؛ کارگر و همکاران | ۳۹

گرفته می‌شود (محمد اسماعیل و علیپور، ۱۳۸۱). محمد اسماعیل و علیپور (۱۳۸۱) ضریب اعتبار این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ اعلام کردند. در پژوهش علیپور، عاصمی و حسینی‌یزدی (۱۳۹۳) از نسخه والد استفاده و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۹ گزارش شد. در پژوهش فرزاد، امامی‌پور و وکیل قاهانی (۱۳۹۰) اعتبار، روایی و هنجاریابی پرسشنامه علائم مرضی کودکان بر روی کودکان کار ۷ تا ۱۵ ساله در شهر کرج اجرا شد. مقدار ضریب اعتبار به روش همبستگی درونی برای فرم والد ۰/۹۴ و برای فرم معلم ۰/۹۶ بود. همچنین همبستگی‌های متقابل خرده مقیاس‌های دو فرم والد و معلم معنادار بودند.

پرسشنامه سنگدلی-بی‌رحمی: این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی ۲۴ ماده‌ای است که برای ارزیابی ویژگی‌های سنگدلی-بی‌رحمی طراحی شده است. این ابزار توسط فریک در سال ۲۰۰۳ ساخته شده است. اگرچه نسخه معلم و والدین از آن وجود دارد اما نسخه خود-ارزیابی عمومی‌ترین استفاده را در نمونه‌های نوجوانان دارد. پرسشنامه صفات سنگدلی-بی‌رحمی سه بعد سنگدلی (۱۱ ماده)، فقدان همدلی (۸ ماده)، بی‌رحمی (۵ ماده) را در یک طیف لیکرت ۴ درجه «۰ = کاملاً غلط» تا «۳ = کاملاً درست» ارزیابی می‌کند (ایسایو، سزاگاو و فریک، ۲۰۰۶). ایسایو و همکاران (۲۰۰۶) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ و همبستگی پرسشنامه صفات سنگدلی-بی‌رحمی با مشکلات سلوک، اختلال روان‌شناختی و خرده مقیاس هیجان‌خواهی ابعاد پنج‌عامل بزرگ شخصیت را به‌عنوان شاخصی از روایی سازه این ابزار گزارش کردند. پالیزیان، هنرمند و ارشادی (۱۳۹۹) در طی بررسی ویژگی‌های روا نسجی این مقیاس در نوجوانان پسر نشان دادند که آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۵ و برای خرده مقیاس‌های سنگدلی، فقدان همدلی و بی‌رحمی به ترتیب برابر با ۰/۵۶، ۰/۶۱ و ۰/۵۵ و ضریب تنصیف برای کل پرسشنامه ۰/۵۶ و برای خرده مقیاس‌ها نام‌برده به ترتیب برابر ۰/۵۱، ۰/۶۳ و ۰/۴۹ است.

پرسشنامه سبک فرزندپروری: پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری توسط بامریند در سال ۱۹۷۳ ساخته شد (بامریند، ۱۹۷۳). این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل‌گیر، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین مربوط می‌شود. جمله‌های شماره ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۸ مربوط به حیطه سهل‌گیر، جمله‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۲۹، مربوط به حیطه استبدادی و جمله‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷ و ۳۰ مربوط به شیوه اقتدار منطقی است. والدین با مطالعه هر ماده، نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند که از ۰ تا ۴ نمره - گذاری شده است. بوری^۱ (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سهل‌گیرانه ۰/۹۲ برای سبک مستبدانه و ۰/۹۲ برای سبک مقتدرانه گزارش نموده است. اسفندیاری (۱۳۷۳) جهت تعیین روایی محتوای آزمون، از ۱۰ نفر صاحب‌نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی خواست تا میزان روایی هر جمله را با علامت زدن مشخص و نظر اصلاحی بدهند که نتیجه این نظرخواهی نشان داد آزمون مذکور از روایی بالایی برخوردار است، همچنین میزان پایایی را با استفاده از روش بازآزمایی برای سهل‌گیری و مسامحه‌گر برابر ۰/۶۹، استبدادی برابر ۰/۷۷ و اقتدار منطقی برابر ۰/۷۳ به دست آمد.

پرسشنامه عصب - روان‌شناختی کولیج: این آزمون چندین اختلال عصب‌شناختی و رفتاری کودکان و نوجوانان پنج تا هفده‌ساله را تشخیص می‌دهد که در سال ۲۰۰۲ توسط کولیج تهیه شد و بر اساس مقیاس لیکرت، به صورت چهار درجه تهیه شده است (کاملاً اشتباه، گاهی درست، تقریباً درست و کاملاً درست) که توسط والدین یا سرپرست کودک و نوجوان و یا کسی مانند معلم که فرد را به خوبی می‌شناسد تکمیل می‌گردد (کولیج، ۲۰۰۲). ۱۹ گویه این آزمون جهت تشخیص اختلالات کارکردهای اجرایی به کاربرده می‌شود، به این گونه که ۸ گویه سازمان‌دهی، ۸ گویه تصمیم‌گیری و ۳ گویه بازداری را می‌سنجند. آزمون کولیج دارای اعتبار ۰/۹۲ در تشخیص اختلال‌های کارکردهای

1. Buri, J. R
2. Coolidge

اجرائی می‌باشد. این پرسشنامه به این صورت نمره‌گذاری می‌شود که به گزینه «هیچ‌وقت» نمره صفر، به «گاهی اوقات» نمره یک، به «معمولاً» نمره دو و به گزینه «همیشه» نمره سه تعلق می‌گیرد؛ بنابراین بیشترین و کمترین نمره در این آزمون ۵۷ و صفر است. گرفتن نمره بیشتر نشان‌دهنده مشکلات بیشتر در کارکردهای اجرائی است. پایایی برای دو خرده مقیاس سازمان‌دهی و تصمیم‌گیری- برنامه‌ریزی و بازداری به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۶۶ گزارش شده است. همسانی درونی دو خرده مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. همسانی درونی به‌طور جداگانه برای سازمان‌دهی ۰/۸۱، تصمیم‌گیری- برنامه‌ریزی ۰/۸۲ و بازداری ۰/۵۲ پاسخ گزارش شده است (علیزاده و زاهدی‌پور، ۱۳۸۳)

یافته‌ها

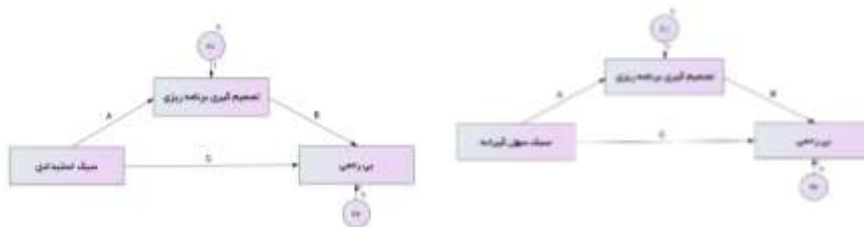
در این پژوهش برای محاسبه شاخص‌های توصیفی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS (نسخه ۲۱) و برای برازش مدل از نرم‌افزار AMOS (نسخه ۲۴) استفاده شد. یافته‌های توصیفی متغیرها شامل میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرها در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و رابطه بین متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	سبک سهل‌انگارانه	سبک استبدادی	سبک مقتدرانه	بی‌رحمی	تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی	سازمان‌دهی
سبک سهل‌انگارانه	۱/۶	۰/۵	۱					
سبک استبدادی	۲/۰	۰/۷	۰/۲۳۹**	۱				
سبک مقتدرانه	۳/۰	۰/۵	۰/۰۸۹	-۰/۱۰۱*	۱			
بی‌رحمی	۲۳/۸	۶/۳	۰/۱۴۳**	۰/۴۶۷**	-۰/۰۵۰	۱		
تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی	۱۱/۶	۴/۶	۰/۱۰۶*	۰/۱۲۴**	۰/۰۲۷	۰/۱۰۸*	۱	
سازمان‌دهی	۱۲/۱	۴/۹	۰/۱۰۱*	۰/۰۶۹	۰/۰۸۵	۰/۰۹۰	۰/۶۷۷**	۱
بازداری	۴/۴	۲/۲	۰/۱۴۸**	۰/۰۱۸	۰/۰۶۶	۰/۰۳۳	۰/۴۵۸**	۰/۵۶۴**

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بی‌رحمی تنها با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و سبک فرزندپروری استبدادی رابطه دارد. متغیر کارکردهای اجرایی زمانی می‌تواند رابطه دو متغیر سبک فرزندپروری و بی‌رحمی را میانجی‌گری کند که با هر دو رابطه داشته باشد. از میان مؤلفه‌های کارکردهای اجرایی تنها تصمیم‌گیری-برنامه‌ریزی با سبک سهل‌گیرانه و استبدادی و بی‌رحمی ارتباط دارد؛ بنابراین تنها میانجی‌گری تصمیم‌گیری-برنامه‌ریزی در دو مدل زیر بررسی می‌شود.



شکل ۱. مدل‌های مفهومی رابطه سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با میانجی‌گری تصمیم‌گیری-برنامه‌ریزی

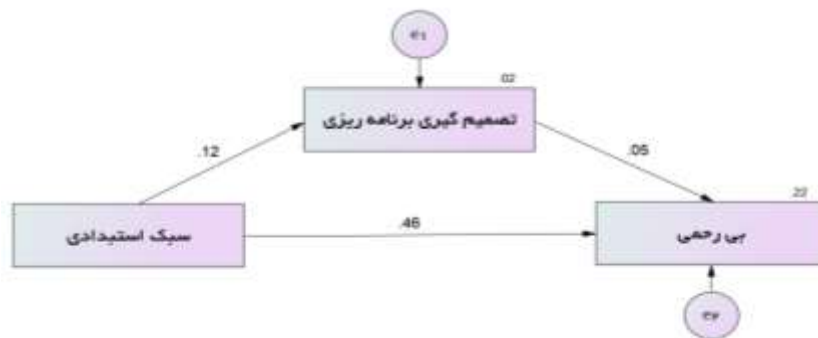
به منظور بررسی میانجی‌گری از مدل بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد. تصمیم‌گیری - برنامه‌ریزی متغیر میانجی^۱ محسوب می‌شود اگر اثر سبک فرزندپروری از طریق تصمیم‌گیری-برنامه‌ریزی و به‌طور غیرمستقیم به بی‌رحمی منتقل شود. پیش فرض آماری این مدل، توزیع نرمال متغیرهای میانجی و متغیر وابسته اصلی است، کجی و کشیدگی تمامی متغیرهای پژوهش بین ۰/۵ و -۰/۵ و توزیع نرمال بود و این پیش فرض رعایت شد، همچنین عدم هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین بررسی شد که تلرانس^۲ تمامی متغیرها بیش از (۰/۷) و VIF کمتر از (۱/۳) بود، که نشانه عدم هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین است.

به منظور بررسی میانجی‌گری بر اساس مدل بارون و کنی (۱۹۸۶)، سه مرحله نیاز است و باید در هر سه مرحله، وزن‌های رگرسیونی معنادار باشند. (۱) رگرس نمودن متغیر وابسته اصلی (بی‌رحمی) بر روی متغیر مستقل اصلی (سبک فرزندپروری) (مسیر مستقیم C). (۲)

1. Mediator
2. Tolerance

رگرس نمودن متغیر میانجی تصمیم‌گیری- برنامه‌ریزی بر روی متغیر مستقل (سبک فرزندپروری) (مسیر غیرمستقیم a). (۳) رگرس نمودن متغیر وابسته اصلی (بی‌رحمی) بر روی متغیرهای مستقل اصلی (سبک فرزندپروری) و میانجی به‌طور هم‌زمان (مدل میانجی). در مرحله سوم، اگر مسیر مستقیم متغیر مستقل (سبک فرزندپروری) به متغیر وابسته (بی‌رحمی) همچنان معنی‌دار باشد یعنی متغیر مستقل به‌طور هم‌زمان از هر دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد و میانجیگری جزئی است؛ اما اگر با حضور متغیر میانجی در مدل، مسیر مستقیم معنی‌دار نبود، به این معنی است که مسیر غیرمستقیم تمام تأثیر مسیر مستقیم را به خود جذب کرده و متغیر میانجی به‌طور کامل میانجیگری می‌کند. مدل مفهومی تحلیل مسیر در شکل ۱ ارائه شده است.

تحلیل مسیر میانجیگری تصمیم‌گیری- برنامه‌ریزی در رابطه سبک فرزندپروری استبدادی و بی‌رحمی با استفاده از نرم‌افزار Amos24 انجام شد و نتایج مراحل سه‌گانه در جدول ۲ آمده است.



شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل روابط سنگدلی-بی‌رحمی با سبک استبدادی با میانجیگری تصمیم‌گیری- برنامه‌ریزی

جدول ۲. ضرایب استاندارد و معناداری مسیرهای مدل میانجیگری تصمیم‌گیری- برنامه‌ریزی در رابطه سبک استبدادی و بی‌رحمی

مدل اثر مستقیم (مرحله اول)	مدل اثر غیرمستقیم (مرحله دوم)	مدل میانجیگری (مرحله سوم)
-------------------------------	----------------------------------	------------------------------

معناداری	ضریب استاندارد	مسیر	معناداری	ضریب استاندارد	مسیر	معناداری	ضریب استاندارد	مسیر
۰/۰۱۰	۰/۱۲۴	A	۰/۰۱۰	۰/۱۲۴	A	----	۰/۰۰۰	A
۰/۲۳	۰/۰۵۱	B	۰/۰۲۳	۰/۱۰۸	B	----	۰/۰۰۰	B
***	۰/۴۶۱	C	----	۰/۰۰۰	C	***	۰/۴۶۷	C

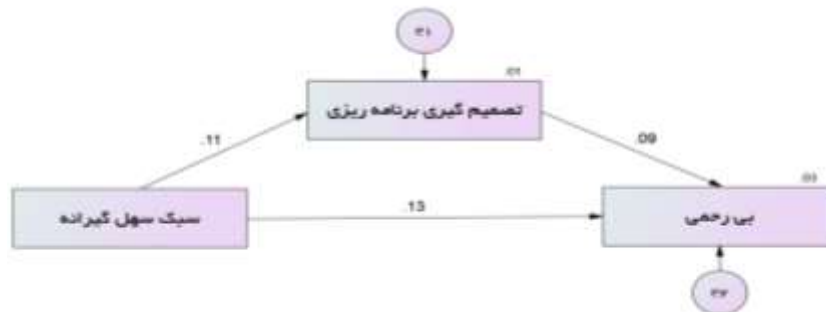
$P < ۰/۰۰۱$ ***

مسیر A: رابطه سبک فرزندپروری استبدادی با تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی مسیر B: رابطه تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی با بی‌رحمی

مسیر C: رابطه سبک فرزندپروری استبدادی با بی‌رحمی

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مؤلفه تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی رابطه سبک فرزندپروری استبدادی و بی‌رحمی را میانجی‌گری نمی‌کند.

تحلیل مسیر میانجی‌گری تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی در رابطه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و بی‌رحمی با استفاده از نرم‌افزار Amos24 انجام شد و نتایج مراحل سه‌گانه در جدول ۳ آمده است.



شکل ۳. ضریب استاندارد مدل روابط سبک‌دلی-بی‌رحمی با سبک سهل‌گیرانه با میانجی‌گری تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی

جدول ۳. ضرایب استاندارد و معناداری مسیرهای مدل میانجی‌گری تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی در رابطه سبک سهل‌گیرانه و بی‌رحمی

مدل میانجیگری (مرحله سوم)			مدل اثر غیرمستقیم (مرحله دوم)			مدل اثر مستقیم (مرحله اول)		
معناداری	ضریب استاندارد	مسیر	معناداری	ضریب استاندارد	مسیر	معناداری	ضریب استاندارد	مسیر
۰/۰۲۶	۰/۱۰۶	A	۰/۰۲۶	۰/۱۰۶	A	----	۰/۰۰۰	A
۰/۰۴۸	۰/۰۹۴	B	۰/۰۲۳	۰/۱۰۸	B	----	۰/۰۰۰	B
***	۰/۱۳۳	C	----	۰/۰۰۰	C	***	۰/۱۴۳	C

$P < ۰/۰۰۱$ ***

مسیر A: رابطه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی
 مسیر B: رابطه تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی با بی‌رحمی
 مسیر C: رابطه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با بی‌رحمی

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مؤلفه تصمیم‌گیری-برنامه‌ریزی رابطه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و بی‌رحمی را میانجیگری نمی‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی نقش واسطه‌گری متغیر ویژگی‌های شناختی، در رابطه بین فرزندپروری و صفات سنگدلی-بی‌رحمی در قالب یک مدل و با استفاده از روش معادلات ساختاری بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که از میان سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده صفات سنگدلی-بی‌رحمی هستند. این یافته‌ها مطابق با پژوهش‌های (پائولی و همکاران، ۲۰۲۱؛ فلوم و همکاران، ۲۰۱۹؛ پیسانو و همکاران، ۲۰۱۷؛ دارگیس و لی، ۲۰۲۰؛ تیرینتاکاستا و همکاران، ۲۰۱۹؛ زانگ و همکاران، ۲۰۲۰) است.

در تبیین این یافته‌ها باید گفت صفات سنگدلی-بی‌رحمی تحت تأثیر عوامل ژنتیکی و محیطی می‌باشد و عوامل محیطی تأثیر قوی‌تری نسبت به عوامل ژنتیکی بر صفات سنگدلی-بی‌رحمی کودک دارند (تووبلاد، فانتی، اندرشد، کالینز و لارسون، ۲۰۱۷). در میان عوامل محیطی سبک فرزندپروری در تأثیرگذاری بر صفات سنگدلی-بی‌رحمی اهمیت حیاتی دارد

(فریک و همکاران، ۲۰۱۴؛ والر و همکاران، ۲۰۱۷). به‌نحوی که والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه نسبت به والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند، کنترل شدیدتری بر فرزند خود اعمال می‌کنند و اعتماد کمتری به آن‌ها دارند؛ بنابراین، فرزندان والدین با سبک فرزندپروری مستبدانه، خودتنظیمی (لی و همکاران، ۲۰۱۸)، عزت‌نفس، رضایت از زندگی و احساس شادی کمتری خواهند داشت. این عوامل منجر به اختلال در بیان عاطفی و تنظیم رفتاری در فرد شده، که در صورت عدم‌اصلاح و تعدیل در طولانی‌مدت منجر به بروز صفات سنگدلی-بی‌رحمی می‌شود.

به‌علاوه والدین نقش کلیدی در اجتماعی کردن رفتار کودک دارند، اما کودکان نیز محیط خود را شکل می‌دهند. مدل‌های مربوط به اثرات متقابل و تبادلی با تأکید بر دوسویه بودن رفتارهای والدین و فرزندان، این دیدگاه‌ها را باهم ترکیب می‌کنند، نمونه‌ای از این مدل‌ها، نظریه اجبار پترسون (۱۹۸۲) است (پترسون و ارگان، ۱۹۸۲). بر طبق این نظریه رفتار-های منفی کودک، رفتارهای منفی والدین (از جمله پاسخ‌های کلامی خصمانه و انضباط خشن) را برمی‌انگیزد و در چرخه اجبار پترسون اصل بر این است که کودکان و والدین هر دو رفتارهای منفی را در یکدیگر تقویت می‌کنند، به این صورت که کودکانی که مشکلات رفتاری دارند در پاسخ به فرزندپروری خشن با منفی‌گرایی شدید و اکنش نشان می‌دهند، که ممکن است منجر به یک الگوی تندخویی در هر دو طرف گردد. مطابق با مدل اجباری پترسون (۱۹۸۲)، اختلال در احساس گناه و همدلی کودکان خردسال ممکن است، و اکنش‌های منفی شدیدتری را از سوی والدین که تلاش می‌کنند قوانین را اجرا کنند، برانگیزد و این پاسخ‌های خشن می‌تواند مانع رشد احساس گناه و همدلی در کودکان شود که ویژگی اصلی افراد دارای صفات سنگدلی-بی‌رحمی است. از سوی دیگر فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه راهبردهای کنترل عاطفی و رفتاری منطقی را به افراد نشان نمی‌دهند در نتیجه می‌توانند منجر به اختلالات عاطفی و تکانه‌های رفتاری، انتقال‌سوگیری‌های شناختی، رفتارهای اجتماعی تهاجمی و پرخاشگرانه، افزایش مشکلات درون-سازی و برون‌سازی و شکل‌گیری شناخت منفی از دنیای واقعی شوند.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه پیش‌بینی‌کننده کارکردهای اجرایی (برنامه‌ریزی-تصمیم‌گیری) هستند و به‌عبارت‌دیگر، این سبک‌های فرزندپروری اثر مستقیم بر کارکردهای اجرایی (برنامه‌ریزی-تصمیم‌گیری) دارند.

ارتباط بین فرزندپروری مستبد و متخاصم و نقص کارکردهای اجرایی کودکان با نظریه‌های شناختی اجتماعی سازگار است؛ یعنی کودکان با مشاهده خصومت کلامی والدین، استفاده از تنبیه بدنی و مشکلات حفظ توجه، مهارت‌های خودتنظیمی پایینی را در حین تعامل از طریق مکانیسم الگوسازی اتخاذ می‌کنند و فرصت یادگیری راهبردهای خودتنظیمی رفتاری و عاطفی برای مقابله با تعارضات اجتماعی به روشی سازنده را از دست می‌دهند.

درواقع فرزندپروری منفی فرصت‌های فرد را برای یادگیری رفتار مثبت کاهش می‌دهد و در نتیجه سنگدلی-بی‌رحمی نوجوانان را افزایش می‌دهد، درحالی‌که راهبردهای فرزندپروری مثبت، مرزهای روشن و سطح مناسبی از کنترل را برای کودکان فراهم می‌کند که از سنگدلی-بی‌رحمی در آن‌ها جلوگیری می‌کند. مطالعات هم‌زمان (سوسیال‌اسیک و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ ووچکوویچ، روچویچ و آزدو کوویچ^۲، ۲۰۲۱) و طولی (سولیک و همکاران^۳، ۲۰۱۵) نشان داده است که فرزندپروری منفی کارکردهای اجرایی را کاهش می‌دهد، درحالی‌که فرزندپروری مثبت آن را افزایش می‌دهد. به این معنا که افرادی که در هنگام رفتار نادرست استدلال والدین را تجربه می‌کنند، یاد می‌گیرند که از کارکردهای اجرایی برای تنظیم رفتار خود استفاده کنند (یعنی اطلاعات را در حین تعامل دست‌کاری ذهنی کنند تا گام‌هایی برای دستیابی به رفتار مثبت برنامه‌ریزی کنند). از سوی دیگر، انضباط تنبیهی برای رفتار نادرست کودک، خودتنظیمی ضعیف را الگو می‌کند، که به‌نوبه خود می‌تواند مانع رشد مهارت‌های کارکردهای اجرایی شود (یعنی مشکلات در مهار پاسخ پرخاشگرانه به خصومت والدین).

-
1. Sosic-Vasic et al
 2. Vučković, Ručević & Ajduković
 3. Sulik et al

نتایج پژوهش نشان داد بین صفات سنگدلی-بی‌رحمی و کارکردهای اجرایی رابطه وجود دارد. این یافته همسو با یافته‌های (تامسون و کینتیفانتی، ۲۰۱۸؛ باسکین سامرز و همکاران، ۲۰۱۵؛ وال و همکاران، ۲۰۱۶) و در تضاد با پژوهش‌های (هادجیچارالامبوس و فانتی، ۲۰۱۸؛ اسکولاسی و بینوتی، ۲۰۲۱؛ والر و همکاران، ۲۰۱۷؛ ما، ایکینگ و زانگ، ۲۰۲۲؛ بدفورد و همکاران، ۲۰۱۹) است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که افزایش کنترل شناختی و حافظه کاری که توسط عملکرد اجرایی بهتر ایجاد می‌شود، جوانان دارای رفتارهای سنگدلی-بی‌رحمی را قادر می‌سازد تا راهبردهای مؤثرتری را برای دستیابی به اهداف موردنظر خود اجرا کنند (باسکین-سامرز و همکاران، ۲۰۱۵). ترکیبی از رفتارهای سنگدلی-بی‌رحمی بالا با عملکرد اجرایی بالا ممکن است به‌طور خاص پرخاشگری را پیش‌بینی کنند که قبل از اجرا برنامه‌ریزی شده (یعنی پرخاشگری فعالانه) یا نیاز به دست‌کاری یا فریب اجتماعی دیگران دارد (مثلاً پرخاشگری رابطه‌ای). افرادی که دارای سطح بالای رفتارهای سنگدلی-بی‌رحمی بودند، زمانی که عملکرد اجرایی بالایی داشتند، بیشتر توسط همسالان پذیرش می‌شدند، اما زمانی که دارای سطوح متوسط یا پایین عملکرد اجرایی بودند، کمتر موردپذیرش واقع می‌شدند. کنترل شناختی و رفتاری بیشتر که توسط عملکرد اجرایی بالا فراهم می‌شود، جوانان با رفتارهای سنگدلی-بی‌رحمی بالا را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثرتری رفتارهای ضداجتماعی فعالانه خود را برنامه‌ریزی و اجرا کنند. افراد با عملکرد اجرایی بالا و رفتارهای سنگدلی-بی‌رحمی بالا در پنهان کردن انگیزه خود برای پرخاشگری برنامه‌ریزی شده بهتر عمل می‌کنند، به‌طوری‌که انگیزه واقعی یا دلایل پرخاشگری آن‌ها توسط والدین یا معلمان نادیده گرفته می‌شود و یا تشخیص داده نمی‌شود، بنابراین آن‌ها در پرخاشگری فعال در درجه پایین‌تری رتبه‌بندی می‌شوند. ترکیب رفتارهای سنگدلی-بی‌رحمی بالا با عملکرد اجرایی بالا ممکن است به تیزبینی اجتماعی و مدیریت برداشت کمک کند، به این صورت که به افراد کمک می‌کند تا اعمال پرخاشگرانه را انجام دهند به گونه‌ای که به دوستی آن‌ها با سایر افراد آسیبی

وارد نشود (کریگ و استلواگن^۱، ۲۰۱۰) این کار را با استفاده از دست‌کاری یا فریبکاری انجام می‌شود که ممکن است منجر به علاقه بیشتر حتی در مواجهه با پرخاشگری بیشتر شود. صفات سنگدلی-بی‌رحمی به یک سبک رفتاری به نام «پاداش غالب^۲» مرتبط است، جایی که نوجوانان در هنگام رسیدن به پاداش، حتی اگر در معرض خطر عواقب منفی برای خود یا دیگران نیز قرار بگیرند بازهم درصدد پیگیری هدف هستند (فیشر و بلر^۳، ۱۹۹۸؛ ابرین و فریک^۴، ۱۹۹۶). با استفاده از این سبک پاسخگویی می‌توان نتایج را این‌گونه تبیین کرد که افراد دارای صفات سنگدلی-بی‌رحمی زمانی که تصمیمی می‌گیرند در جهت رسیدن به آن برنامه‌ریزی نموده و بدون توجه به پیامدهای بازدارنده فقط به جنبه پاداش کار فکر می‌کند. در نتیجه بدون توجه به عواقب کار از هر وسیله‌ای جهت دستیابی به هدف استفاده می‌کنند. نتایج همچنین نشان داد که کارکردهای اجرایی رابطه بین صفات سنگدلی-بی‌رحمی و سبک‌های فرزندپروری را واسطه نمی‌کند. به عبارتی مسیر مستقیم یا متغیر مستقل تمام تأثیر را به خود جذب کرده و متغیر میانجی یا مسیر غیرمستقیم معنادار نمی‌باشد، یعنی متغیر میانجی، عمل میانجیگری انجام نداده.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان عنوان کرد که فراتر از عوامل خطر در سطح فردی، توسعه سنگدلی-بی‌رحمی با طیف وسیعی از عوامل خطر زمینه‌ای از جمله خطرپذیری محله و همسالان منحرف مرتبط است. علاوه بر این، شواهد همچنین نقش مهم فرزندپروری را در توسعه صفات سنگدلی-بی‌رحمی نشان می‌دهد (والر و همکاران^{۲۰۱۳})؛ بنابراین، هرگونه بررسی اثرات اصلی منحصر به فرد صفات سنگدلی-بی‌رحمی و همچنین اثرات متقابل صفات سنگدلی-بی‌رحمی، مشکلات سلوک اولیه و کنترل اجرایی، نیاز به در نظر گرفتن تأثیر سایر عوامل خطر دارد. با این حال، علی‌رغم این که مطالعات اهمیت در نظر گرفتن عوامل خطر خانوادگی و زمینه‌ای را به عنوان پیش‌بینی‌کننده صفات سنگدلی-بی‌رحمی برجسته کرده‌اند (والر و همکاران، ۲۰۱۳)، لازم است سایر عوامل تأثیرگذار از جمله خلق و خوئی کودک و

-
1. Kerig & Stellwagen
 2. Reward Dominance
 3. Fisher & Blair
 4. O'Brien & Frick

همچنین سابقه اختلال روانی و جامعه‌ستیزی در والدین نیز مورد بررسی قرار گیرد چراکه این ویژگی‌ها بر هم تأثیر متقابل دارند و ممکن است موجب بی‌اثر شدن سایر متغیرهای میانجی شوند و با کنترل آن‌ها می‌توانیم در مورد تأثیر متغیرها نتایج دقیق‌تری حاصل کنیم، هرچند که در صورت معنادار بودن رابطه‌ها نیز نمی‌توانیم رابطه علت و معلولی را استنباط کنیم.

از آنجایی که ویژگی‌های سنگدلی-بی‌رحمی نه شاخص خشونت هستند و نه تغییرناپذیر، باید در نظر بگیریم که افراد نوجوان با مشکلات رفتاری جدی با یا بدون ویژگی‌های سنگدلی-بی‌رحمی هنوز در حال رشد هستند و می‌توانند به روش‌های متفاوت و به همان اندازه مثبت تکامل پیدا کنند و با توجه به نقش پررنگ فرزندپروری و این که سبک‌های فرزندپروری بر رشد روان‌شناختی، شخصیت و سازگاری رفتاری فرد تأثیر می‌گذارد و بسته به سبک خاص اتخاذشده، دارای تأثیر مثبت یا منفی است. لذا لزوم طراحی مداخلات با تمرکز بر والدین در جهت کاهش این صفات ضروری به نظر می‌رسد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که این مطالعه در طول همه‌گیری بیماری کرونا انجام شد که مستقیماً بر حضور در مدرسه و شرایط روحی خانواده‌ها و دانش‌آموزان تأثیر گذاشت. علاوه بر این، از آنجایی که قسمتی از کار نیازمند همکاری و پر کردن پرسشنامه توسط والدین (مادر) بود؛ بنابراین، نمونه ممکن است به دانش‌آموزانی که در خانواده‌ای با افزایش متغیرهای مثبت خانواده زندگی می‌کنند، منحرف شده باشد. با توجه به این که پرسشنامه‌ها از نوع خودگزارشی بودند، احتمال سوگیری مادران و میل به مطلوب بودن در پاسخ دادن به سبک فرزندپروری خود و کارکردهای اجرایی فرزندشان وجود داشت.

پیشنهاد می‌شود این پژوهش بر روی گروه‌های سنی و جنسی دیگر نیز صورت گیرد. چراکه پژوهش‌ها روی کودکان و نوجوانان نشان داد که تأثیر شیوه‌های فرزندپروری ممکن است تا حدودی بر اساس جنسیت کودکان و وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده متفاوت باشد. به‌علاوه توصیه می‌شود مصاحبه با والدین نیز در طرح گنجانده شود تا به‌عنوان روش مکمل پرسشنامه یاری‌دهنده باشد. این پژوهش محدود به مادران بود توصیه می‌شود

ارزیابی مدل علی شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی...؛ کارگر و همکاران | ۵۱

پژوهش‌های آتی پدران را نیز در نظر بگیرند تا امکان مقایسه سبک‌های فرزندپروری آنها و اثرات متفاوتی که بر نتایج می‌گذارند، فراهم شود.

ORCID

Fatemeh Kargar  <http://orcid.org/0000-0003-1965-2394>

Amir Ghamarani  <http://orcid.org/0000-0003-4390-0749>

Ghasem Norouzi  <http://orcid.org/0000-0002-8624-7818>

منابع

- اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۳). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روان‌پزشکی تهران.
- پالیزیان، آرزو؛ مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز و ارشدی، نسرين. (۱۳۹۹). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه‌ی بی‌رحمی - بی‌احساسی در نوجوانان پسر. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۵(۱)، ۲۰۱-۲۱۱.
- علی‌پور، احمد؛ عاصمی، زهرا و حسینی یزدی، عاطفه. (۱۳۹۳). مقایسه اثربخشی سه روش مداخله‌ای پس‌خوراند عصبی، آموزش مدیریت رفتار والدین و درمان ترکیبی در کاهش نشانگان اختلال سلوک کودکان، *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۸(۴)، ۷۹-۹۴.
- علیزاده، حمید و زاهدی پور، مهدی. (۱۳۸۳). کارکردهای اجرایی در کودکان با و بدون اختلال هماهنگی رشدی. *تازه‌های علوم شناختی*، ۶(۳ و ۴)، ۵۶-۴۹.
- فرزاد، ولی‌الله؛ امامی پور، سوزان و وکیل قاهانی، فرشته. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار، روایی و هنجاریابی پرسشنامه علائم مرضی کودکان. *فصلنامه تحقیقات روان‌شناختی*، ۳(۱۱)، ۴۷-۵۷.
- محمد اسماعیل، الهه و علی‌پور، احمد. (۱۳۸۱). بررسی مقدماتی اعتبار و روایی و تعیین نقاط برش اختلال‌های پرسشنامه علائم مرضی کودکان (-CSI۴). *فصلنامه کودکان استثنایی*، ۲(۳)، ۲۵۴-۲۳۹.

References

- American Psychiatric Association, & American Psychiatric Association. (2013). *DSM-5 Task Force Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5*. Washington, DC: American Psychiatric Association.
- Awada, S. R., Ellis, R. A., Shelleby, E. C., & Orcutt, H. K. (2022). Gender Differences in Callous Unemotional Trait Profiles in an Undergraduate Sample. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 1-22.
- Baglivio, M. T., Wolff, K. T., Piquero, A. R., Greenwald, M. A., & Epps, N. (2017). Racial/ethnic disproportionality in psychiatric diagnoses and treatment in a sample of serious juvenile offenders. *Journal of youth and adolescence*, 46(7), 1424-1451.
- Bansal, P. S., Goh, P. K., Lee, C. A., & Martel, M. M. (2020). Conceptualizing callous-unemotional traits in preschool through confirmatory factor and

- network analysis. *Journal of abnormal child psychology*, 48(4), 539-550.
- Baroncelli, A., & Ciucci, E. (2020). Bidirectional effects between callous-unemotional traits and student-teacher relationship quality among middle school students. *Journal of abnormal child psychology*, 48(2), 277-288.
- Baskin-Sommers, A. R., Waller, R., Fish, A. M., & Hyde, L. W. (2015). Callous-unemotional traits trajectories interact with earlier conduct problems and executive control to predict violence and substance use among high risk male adolescents. *Journal of abnormal child psychology*, 43(8), 1529-1541.
- Baumrind, D. (1973). The development of instrumental competence through socialization. In *Minnesota symposium on child psychology*. 7, 3-46.
- Bedford, R., Gliga, T., Hendry, A., Jones, E. J., Pasco, G., Charman, T., ... & Pickles, A. (2019). Infant regulatory function acts as a protective factor for later traits of autism spectrum disorder and attention deficit/hyperactivity disorder but not callous unemotional traits. *Journal of Neurodevelopmental Disorders*, 11(1), 1-11.
- Blair, C., Raver, C. C., Berry, D. J., & Family Life Project Investigators (2014). Two approaches to estimating the effect of parenting on the development of executive function in early childhood. *Developmental psychology*, 50(2), 554-565.
- Blair, J. R. (2016). The neurobiology of disruptive behavior disorder. *American journal of psychiatry*, 173(11), 1073-1074.
- Blair, R. J. (2020). Modeling the Comorbidity of Cannabis Abuse and Conduct Disorder/Conduct Problems from a Cognitive Neuroscience Perspective. *Journal of Dual Diagnosis*, 16(1), 3-21.
- Bronfenbrenner, U. (1986). Ecology of the family as a context for human development: Research perspectives. *Developmental psychology*, 22(6), 723-742.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of personality assessment*, 57(1), 110-119.
- Carroll, A. G. (2022). *Comparing Executive Functioning Impairments across Clinical Groups: Autism Spectrum Disorder, Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder, and Their Comorbid Occurrence in Children* (Doctoral dissertation, Indiana University of Pennsylvania).
- Centers for Disease Control and Prevention. (2021). Learn about mental health. *Child Psychology*, 45(1), 15-26. <https://www.cdc.gov/mentalhealth/learn/index.htm>
- conduct problems: mediation by parenting. *Journal of Abnormal*

- Coolidge, F. L., Thede, L. L., Stewart, S. E., & Segal, D. L. (2002). The Coolidge Personality and Neuropsychological Inventory for Children (CPNI) Preliminary Psychometric Characteristics. *Behavior modification, 26(4)*, 550-566.
- Dargis, M., & Li, J. J. (2020). The Interplay between Positive and Negative Parenting and Children's Negative Affect on Callous-Unemotional Traits. *Journal of Child and Family Studies, 29(9)*, 2614-2622.
- Ding, R., & He, P. (2022). Parenting styles and health in mid-and late life: evidence from the China health and retirement longitudinal study. *BMC geriatrics, 22(1)*, 1-11
- Essau, C. A., Sasagawa, S., & Frick, P. J. (2006). Callous-unemotional traits in a community sample of adolescents. *Assessment, 13(4)*, 454-469.
- Fisher, L., & Blair, R. J. R. (1998). Cognitive impairment and its relationship to psychopathic tendencies in children with emotional and behavioral difficulties. *Journal of abnormal child psychology, 26(6)*, 511-519.
- Fisher, L., & Blair, R. J. R. (1998). Cognitive impairment and its relationship to psychopathic tendencies in children with emotional and behavioral difficulties. *Journal of abnormal child psychology, 26(6)*, 511-519.
- Flom, M., White, D., Ganiban, J., & Saudino, K. J. (2020). Longitudinal links between callous-unemotional behaviors and parenting in early childhood: a genetically informed design. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry, 59(3)*, 401-409.
- Frick, P. J., Ray, J. V., Thornton, L. C., & Kahn, R. E. (2014a). A developmental psychopathology approach to understanding callous-unemotional traits in children and adolescents with serious conduct problems. *J Child Psychol Psychiatr, 55*, 532-48.
- Frick, P. J., Ray, J. V., Thornton, L. C., & Kahn, R. E. (2014b). Can callous-unemotional traits enhance the understanding, diagnosis, and treatment of serious conduct problems in children and adolescents? A comprehensive review. *Psychological bulletin, 140(1)*, 1-57.
- Gadow, K. D., & Sprafkin, J. (2007). The symptom inventories: An annotated bibliography [On-line]. Available: www.checkmateplus.com.
- Ghandour, R. M., Sherman, L. J., Vladutiu, C. J., Ali, M. M., Lynch, S. E., Bitsko, R. H., & Blumberg, S. J. (2019). Prevalence and treatment of depression, anxiety, and conduct problems in US children. *The Journal of pediatrics, 206*, 256-267.
- Giancola, P. R. (2007). The underlying role of aggressivity in the relation between executive functioning and alcohol consumption. *Addictive behaviors, 32(4)*, 765-783.
- Graziano, P. A., Landis, T., Maharaj, A., Ros-Demarize, R., Hart, K. C., & Garcia, A. (2022). Differentiating preschool children with conduct problems and callous-unemotional behaviors through emotion

- regulation and executive functioning. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 51(2), 170-182.
- Hadjicharalambous, M. Z., & Fanti, K. A. (2018). Self regulation, cognitive capacity and risk taking: Investigating heterogeneity among adolescents with callous-unemotional traits. *Child Psychiatry & Human Development*, 49(3), 331-340.
- Hammond, S. I., Müller, U., Carpendale, J. I., Bibok, M. B., & Liebermann-Finestone, D. P. (2012). The effects of parental scaffolding on preschoolers' executive function. *Developmental psychology*, 48(1), 271–281.
- Kahn, R. E., Frick, P. J., Youngstrom, E. A., Kogos Youngstrom, J., Feeny, N. C., & Findling, R. L. (2013). Distinguishing primary and secondary variants of callous-unemotional traits among adolescents in a clinic-referred sample. *Psychological assessment*, 25(3), 966–978.
- Keough, K. L. (2022). Treatment Readiness Among Adolescents in Acute Care: The Impact of School Refusal Behavior and School Interference (Doctoral dissertation, Fairleigh Dickinson University).
- Kerig, P. K., & Stellwagen, K. K. (2010). Roles of callous-unemotional traits, narcissism, and Machiavellianism in childhood aggression. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 32, 343–352.
- Kim, H., & Chang, H. (2019). Longitudinal association between children's callous-unemotional traits and social competence: Child executive function and maternal warmth as moderators. *Frontiers in Psychology*, 10, 379.
- Kline, R. B. (2016). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling* (4th ed.). New York, NY: The Guilford Press.
- Kohlhoff, J., Mahmood, D., Kimonis, E., Hawes, D. J., Morgan, S., Egan, R., & Eapen, V. (2020). Callous–unemotional traits and disorganized attachment: Links with disruptive behaviors in toddlers. *Child Psychiatry & Human Development*, 51(3), 399-406.
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of child and family studies*, 28(1), 168-181.
- Levine, A. (2022). *Social Media and Early Adolescence: Middle School Principals' Developmentally Responsive Practices that Guide Student Use of Social Media* (Doctoral dissertation, Manhattanville College).
- Liu, J., Xiao, B., Hipson, W. E., Coplan, R. J., Yang, P., & Cheah, C. S. (2018). Self-regulation, learning problems, and maternal authoritarian parenting in Chinese children: A developmental cascades model. *Journal of Child and Family Studies*, 27(12), 4060-4070.
- Ma, Y., Xing, X., & Zhang, M. (2022). Parental Rejection and School-aged Children's Externalizing Behavior Problems in China: The Roles of

- Executive Function and Callous-unemotional Traits. *Child Psychiatry & Human Development*, 1-12.
- Newman, M. (2017). *The relationship between parenting style and self-regulation in early childhood*. Honors Theses. Dominican University of California
- Nguyen, A. (2021). *Supporting Adolescents Curriculum for Mental Health Professionals*. California State University, Long Beach.
- O'Brien, B. S., & Frick, P. J. (1996). Reward dominance: Associations with anxiety, conduct problems, and psychopathy in children. *Journal of abnormal child psychology*, 24(2), 223-240.
- O'Brien, B. S., & Frick, P. J. (1996). Reward dominance: Associations with anxiety, conduct problems, and psychopathy in children. *Journal of abnormal child psychology*, 24(2), 223-240.
- Parenting for Brain. (2012, July 18). Four types of parenting styles. www.parentingforbrain.com/wp-content/uploads/Types-of-Parenting-Styles.pdf
- Pauli, R., Tino, P., Rogers, J. C., Baker, R., Clanton, R., Birch, P., ... & De Brito, S. A. (2021). Positive and negative parenting in conduct disorder with high versus low levels of callous-unemotional traits. *Development and psychopathology*, 33(3), 980-991.
- Pisano, S., Muratori, P., Gorga, C., Levantini, V., Iuliano, R., Catone, G., ... & Masi, G. (2017). Conduct disorders and psychopathy in children and adolescents: aetiology, clinical presentation and treatment strategies of callous-unemotional traits. *Italian journal of pediatrics*, 43(1), 1-11.
- Rak, C. (2021). *Executive Functioning: Self-Regulated Practices Used in an Inclusive Classroom to Support Students with and without ADHD* (Doctoral dissertation, Trinity Christian College).
- Roskam, I., Stievenart, M., Meunier, J. C., & Noël, M. P. (2014). The development of children's inhibition: Does parenting matter?. *Journal of experimental child psychology*, 122, 166-182.
- Ruisch, I. H., Dietrich, A., Klein, M., Faraone, S. V., Oosterlaan, J., Buitelaar, J. K., & Hoekstra, P. J. (2020). Aggression based genome-wide, glutamatergic, dopaminergic and neuroendocrine polygenic risk scores predict callous-unemotional traits. *Neuropsychopharmacology*, 45(5), 761-769.
- Sakai, J. T., Mikulich-Gilbertson, S. K., Young, S. E., Rhee, S. H., McWilliams, S. K., Dunn, R., ... & Hopfer, C. J. (2016). Adolescent male conduct-disordered patients in substance use disorder treatment: Examining the "limited prosocial emotions" specifier. *Journal of child & adolescent substance abuse*, 25(6), 613-625.

- Shields, A., & Cicchetti, D. (1998). Reactive aggression among maltreated children: The contributions of attention and emotion dysregulation. *Journal of Clinical Child Psychology, 27*, 381–395.
- Skinner, E. A., & Zimmer-Gembeck, M. J. (2016). *Parenting, Family Stress, Developmental Cascades, and the Differential Development of Coping*. In E. A. Skinner & M. J. Zimmer-Gembeck (Eds.), *The Development of Coping: Stress, Neurophysiology, Social Relationships, and Resilience During Childhood and Adolescence*. 239-261. Cham: Springer International Publishing.
- Sosic-Vasic, Z., Kröner, J., Schneider, S., Vasic, N., Spitzer, M., & Streb, J. (2017). The association between parenting behavior and executive functioning in children and young adolescents. *Frontiers in Psychology, 8*(472), 1–8.
- Squillaci, M., & Benoit, V. (2021). Role of Callous and Unemotional (CU) Traits on the development of youth with behavioral disorders: A systematic review. *International journal of environmental research and public health, 18*(9), 4712.
- Sulik, M. J., Blair, C., Mills-Koonce, R., Berry, D., Greenberg, M., Family Life Project Investigators, ... & Willoughby, M. T. (2015). Early parenting and the development of externalizing behavior problems: Longitudinal mediation through children's executive function. *Child development, 86*(5), 1588-
- Thomson, N. D., & Centifanti, L. (2018). Proactive and reactive aggression subgroups in typically developing children: The role of executive functioning, psychophysiology, and psychopathy. *Child Psychiatry & Human Development, 49*(2), 197-208.
- Trentacosta, C. J., Waller, R., Neiderhiser, J. M., Shaw, D. S., Natsuaki, M. N., Ganiban, J. M., ... & Hyde, L. W. (2019). Callous-unemotional behaviors and harsh parenting: Reciprocal associations across early childhood and moderation by inherited risk. *Journal of abnormal child psychology, 47*(5), 811-823.
- Tuvblad, C., Fanti, K. A., Andershed, H., Colins, O. F., & Larsson, H. (2017). Psychopathic personality traits in 5-year old twins: the importance of genetic and shared environmental influences. *European Child & Adolescent Psychiatry, 26*(4), 469-479.
- Verrall, J. (2020). *On not knowing the music: Disruptions to synchrony of affect in the vocal channel between mothers and their children with callous-unemotional (CU) traits*. Thesis PhD.
- Vučković, S., Ručević, S., & Ajduković, M. (2021). Parenting style and practices and children's externalizing behaviour problems: Mediating role of children's executive functions. *European Journal of Developmental Psychology, 18*(3), 313-329.

- Wall, T. D., Frick, P. J., Fanti, K. A., Kimonis, E. R., & Lordos, A. (2016). Factors differentiating callous-unemotional children with and without conduct problems. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, *57*(8), 976-983.
- Waller, R., Gardner, F., & Hyde, L. W. (2013). What are the associations between parenting, callous-unemotional traits, and antisocial behavior in youth? A systematic review of evidence. *Clinical psychology review*, *33*(4), 593-608.
- Waller, R., Hyde, L. W., Baskin-Sommers, A. R., & Olson, S. L. (2017). Interactions between callous unemotional behaviors and executive function in early childhood predict later aggression and lower peer-liking in late-childhood. *Journal of abnormal child psychology*, *45*(3), 597-609.
- Winstanley, M., Webb, R. T., & Conti-Ramsden, G. (2021). Developmental language disorders and risk of recidivism among young offenders. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, *62*(4), 396-403.
- Zhong, C., Wang, M. C., Shou, Y., Zhang, X., & Deng, J. (2020). Maternal parenting mediate the relationship between maternal psychopathic traits and child callous-unemotional traits: A longitudinal multiple mediation model. *Journal of Child and Family Studies*, *29*(11), 3142-3152.

References [In Persian]

- Esfandiari, Gholamreza (1994). *Comparison of mothers' parenting methods in two groups of children with behavioral disorders and the effect of mothers' education in reducing behavioral disorders*. Master's thesis, Tehran Institute of Psychiatric Research.
- Palizian, A., Mehrabizadeh Honarmand, M., & Arshadi, N. (2020). Psychometric Properties of Youth's Inventory of Callous Unemotional Traits (ICU-YV) in Male Teenagers. *Clinical Psychology and Personality*, *15*(1), 201-211.
- Alipour, A., Asemi, Z., & Yazdi, S. A. H. (2015). Comparison of the effectiveness of three intervention methods neurofeedback, parental management training and combination therapy on reducing symptoms of conduct disorder in children. *Journal of Applied Psychology*, *8*(4), 79-94.
- Alizadeh, H., & Zahedipour, M. (2004). Executive Functions in Children With and Without Developmental Coordination Disorder. *Advances in Cognitive Sciences*, *6*(3), 49-56.
- Farzad, W., Emamipour, S., & Vakil Kahani, F. (2011). Examining the validity, validity and standardization of the children's symptoms questionnaire. *Psychological Research Quarterly*, *3*(11), 47-57.

ارزیابی مدل علی شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی...؛ کارگر و همکاران | ۵۹

Mohamadesmaiel, E., & Alipour, A. (2002). A Preliminary Study on the Reliability, Validity and Cut Off Points of the Disorders of Children Symptom Inventory-4 (CSI-4). *Journal of Exceptional Children*, 2(3), 239-254.

استناد به این مقاله: کارگر، فاطمه، قمرانی، امیر، نوروزی، قاسم. (۱۴۰۱). ارزیابی مدل علی شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی-بی‌رحمی در نوجوانان با اختلال سلوک: نقش میانجیگری کارکردهای اجرایی، روان‌شناسی افراد استثنایی، ۱۲(۴۸)، ۲۷-۵۹.

DOI: 10



Psychology of Exceptional Individuals is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

